

متن پرسش

سلام علیکم استاد: تعدادی سوال داشتم در مورد دو موضوع: امام صادق علیه سلام: «اگر گروهی تنها خدا را بپرستند و برای او شریک نگیرند و نماز برپا داشته و زکات داده و حج خانه خدا را بجا آورند و ماه رمضان را روزه بگیرند، اما درباره یکی از افعال خداوند یا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چنین بگویند: ای کاش برخلاف آنچه انجام داده، رفتار می کرد یا همین فکر به ذهنشان خطور کند، مشرک می شوند.» و سپس این آیه را تلاوت فرمود: «پس سوگند به پروردگارت (ای پیغمبر) که ایشان ایمان نمی آورند؛ تا زمانیکه در مشاجرات و خصومت‌هایی که در میانشان واقع گردد، تو را حکم قرار داده و به تو رجوع کنند؛ و سپس از آنچه که تو به نظر خودت در میان آنها حکم کردی و قضاوت نمودی، ابداً ناراحتی و حرجی در خود احساس ننمایند و گرفتگی را در خود نیابند؛ و به آخرین درجه از تسلیم، تسلیم امر و نظر تو باشند.»؛ پس از آن امام صادق (علیه السلام) فرمود: تسلیم باشید. «برشی از کتاب کیمیای سعادت در پرتو رفیق: ارجاع دادن استاد به رفیق، بخاطر خوف از هلاکت شاگرد در اینجا تذکر این مطلب بسیار مهم است که گاهی منشأ ارجاع دادن استاد به رفیق، بازگشتش به عدم استعداد برای قبول حق از طرف شاگرد است. یعنی اگر استاد بخواهد مستقیماً مطلبی را به شاگرد تذکر بدهد، ممکن است شاگرد بواسطه عدم تحمل شانه خالی کند و خدای ناکرده در مقام تعارض با استاد قرار گیرد؛ چه اینکه این اعتراض را به زبان بیاورد و زبان به اعتراض باز کند و یا اینکه در قلب خود نگه دارد. در هر دو صورت، چون این تعارض و تقابل با مقام ولایت صورت می پذیرد، فرد بسیار ضربه می خورد و به هلاکت می افتد و ساقط می شود. ۱. استاد از مطالب گفته شده برداشت می‌شود که ما باید از دستورات صاحبان ولایت (خدا و پیغمبر و اهل بیت و رهبری و اولیا الله) در عمل اطاعت کنیم و نارضایتی قلبی نداشته باشیم که این ساده نیست ما شاید بتوانیم در عمل تابع آنها باشیم ولی اینکه از دستورات آنها حتی ناراحت هم نشویم یا نارضایتی درونی هم نداشته باشیم خیلی سخت است چرا که ناراحتی که امر قلبی است در دست ما نیست. یا اینکه رضایت کامل به قضا الهی داشته باشیم و در مصیبت‌ها ناراحت از اراده و قضای الهی نباشیم و اینکه در متن‌های بالا گفته شده که حتی خطور نارضایتی در ذهن مساوی با شرک است و تعارض و تقابل با مقام ولایت است و موجب هلاکت می شود بیشتر افراد که در مقام تسلیم و رضا قرار ندارند چطور بدین شکل باشند؟ ۲. استاد در کتاب معاد فرمودید که اگر در دنیا شخص دارای سمت و سوی الهی باشد و در مسیر حقیقت بوده باشد بعد از مرگ در عالم برزخ و قیامت با طی عوالم و منازل با کنار رفتن تعلقات و حجاب‌ها در نهایت به لقا الله می رسد آیا برای همه ی انسان‌هایی که مومن هستند و سمت و سوی الهی دارند جنت لقا و فنی در

ذات احدیت در نهایت میسر می شود؟ در پناه حق باشید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. وقتی پذیرفتیم حضرت حق عین حکمت عمل می کند و اولیای معصوم «علیهم السلام» مظهر حکم خدایند؛ عقلاً جایی برای اعتراض درونی نمی ماند هرچند از نظر احساس و عاطفه ممکن است ناراحت باشیم و همین اندازه که عقل، انکار حکمت الهی را نمی کند برای توحید و عدم شرک کافی است. ۲. به اندازه ای که انسان ها به حق رجوع داشته باشند با جلوات انوار الهی در مظاهر مختلف روبه رو می شوند. موفق باشید